

شماره دوازدهم
اداره مرکزی مجلس المبتدیان
کلمه لوچیت پروردگار (میرزا)
کارهای متعلقه اداره با ویرمیر علی الله
مؤید الاسلام، للمؤمن با نیست
ویرمیرانی اداره آقا محمد کاظم شریعتی
پرونده بیلبغ و تشریح تفسیر
دو شنبه بعد هم شرفیابان
سطابق ۳۰ ماه سنوری ۱۳۹۹

حاصلات

سپاسگزار کسب یازدهم
قسمت نمودیم بنام آردی سرشار خود باشد
بدون نمودیم بنام آردی سرشار خود باشد

صفحه یکصد و سی و هفت
تیمم اجرت سالیانه شش
له شان برنده نادرین - ده کده و ده
زبان افغانستان - ده کده و ده
او واد سین - ده کده و ده
مالک عثمانی مصر - ده کده و ده
مالک روسیه - ده کده و ده
یکشنبه هندوستان - ده کده و ده
مالک فارس - ده کده و ده

کتابچه علمی و فایده بخش
دین از هر مویج و فایده بخش
دین از هر مویج و فایده بخش

(ملکوفات خارجه)

از دهم رمضان المبارک - سیستون و شش
در ششم قمری آخرین رای خود را من باب
تصفیه صلح با اسیانیا با بر خواهند داشت
علاوه بر طایفه لیبون که چینه فرساده شده و چله
در دم یکصد و سی هزار پوله است خواهد آمد
قانون میں لڑائیاں در بون را نکست داده بر
فلسفه که کرات آنها بوده اند تا نمود و قائلان
فلکات را به به هم حق نشاء نه
دوازدهم شهر رمضان المبارک - در میان همه از آن
مصری چنان افواه شده که دولت علیه عثمانی
خلاف عهدنامه انجلس مصر و باره بود این مع
خواهند فرمود
لارده جارج ملتن در تقریرات خود اظهار داشته
که ترقی تجارت و ترقی آبادی که برودات مشکلات
من خواهد کرد و امید ظاهر داشته که در زمانه
قریب همه سکته طاری خواهد شد
در برنامته استیت هر مناسبت از آنکه قرائین
دولت آذونی بر جزایر فلپین جاری شود
سرار بیوایت ردلی وزیر در سنه در تقریرات
خود اظهار داشته که امید تو نیست در سر
بسمه القرآن که تسلی بود است میان انجلس
و سنه بلج تحفه شود و سنه و سنه و سنه

فصله که سیار دو تین مشار الیه است
بحث است بجزئی و غیره بکام یاب
سیزدهم رمضان المبارک بموجب ملک
سنه ۳۳ سنوری جاری دغلی بی نام
اصحان مسکومت جمهوری در فلپائن داده یکی از
افسان امریکا کتان غلی بانی را که در زده قبیل
رسانیده است شب بعد از آن در خارج شهر
زود کوب سختی میان سپاهیان شده است
مساعات اندرونی فلپائن خلی سخت بنظر
خداوند زکرم دایه
بیست و نهمی که چندی قبل اجماع نموده در
جمهوری فلپائن متفق شده اند (اکسی لار)
انتیارداده اند که هر وقت مناسب اند بار
اصحان جنگ با
از ام در ان خبر رسیده که در ان خلیفه عهد
اطاعت کرن کجی را نموده خلیفه با شکر خود
در جوار شهر قلعه مقیم میباشند
بروجب ملگرافی که از یکین رسیده مقنن راه این
شالی دسترسید را بسبب بی نظمی و بی قصد الی
چسین تاریخ نموده چنان خیال میشود که سرکه آل
سیزدهم و کت انجلس و سیزدهم کت الان از طرف
سرتیو تحقیق اینسله را خواهند نمود
احسار استند از و شایع کار دادیسه خود
مستوبه که در چند آرد هر باره قنن روس

مرض شیوع یافته در راه و سبب و نومبر و سبب
چند هزار آنجا تلف شده اند
نوتها که از بارک لندن بدردی رفته بود چهل
لیره آن بزیعه پوسته با یک پاریس سیه ملی
نام رسیده اما معلوم نیست
در حقیقت مسکومت در شش ماهه پورینو سفر
از انسان بافاق نمود و امور ات مسکومت خراب
از وینه مستراح بیار مستغری روانه ق پرش
سیکویه بجهت علاج والا حضرت کعبه
چهاردهم شهر رمضان المبارک من باب تهت
که بکام اعلی من با کتیمات مقدمه در ایض
بوده که لا تحقیق شده قریه از و زرای فدا شده
اورد ظاهر خواهند نمود
تجویز که مستر سیل روس من باب سائن
این در من فریاد میشن نموده بود دولت
انجلس رساداده که از ان لیبوی ری تا زار
راه این ساخته شود زیاد
(اعلانات)
جناب ستایای کامی شمار الیاد کت اداره
در کردستان قبول فرموده اداره را منون
ساخته اند مشرکین محترم باید در امور ات رجوع نمود
رجوع بجان نمایند چون و کالت و شان
مکزی هر است فیصله با وای بوجای شان
مکزی هر است فیصله با وای بوجای شان

(اعلانات)

بوجه پیشه کسب محترم طهران بنام محمد آقا میرزا...

ایضا

بنام محمد السلطان آقا میرزا حسین خان کرمان...

(ایضا)

بنام محمد التجار و آقا میرزا عبد الله محمد...

(تاسیف)

آقا سید محمد جعفر دلال تاجبده انالی که بمش...

(بجست)

در هیئت هیئت مجتبی ۱۶ نفر متولی...

تمام امرات آن روز بوده خداوند قسم...

(اخبارات خارجه)

باشندگان عثمان قیدیان اسپانیا را کم آزادی...

آنسان در حکومت اسپانیا در سینه...

در ۲۲ شهریور صبح در برهان زلزله شده...

واری طلفه - سواکن و چینه...

در آن صدمه امریکا در باره کشدن تهرنگار...

باشندگان جنبه برادران و آن (اندان و مگر...

در تمام آن فاعله می باشد که گویا کینه است
 نغز طبع آن کفنه و کمال می دارد نه او آن دارد
 میگویند این بیماری از گلاب با نجا رسیده در دماغ
 نیند این مرض از یک حکومت ترانه اول پیش
 شده (تمام عالم صحبت و فیه و انده این مرض
 سخی بلخ میباید سوا می ایران قسه نطنز بلخ فارس
 قهر و حملی لطفت و نهفته نشخ و در خصوص این
 جناب دریا یکی زیاد برین باید تو برین ابرو هم
 در اپریل ماه انگلیس تحقیقات مجسوس کرسی را
 الا ان خواهد داد
 سستی مجربین در تقریرات خود و ابط سیاسی
 انگلیس را با فله بسیار نارک تصور نموده میگوید
 دو امر بسیار که قدرت اخلاقی است اول محاله
 در یکا سکر دو مکتفیه میفونند لکن معلوم نیست
 تصفیه این دو امر چگونه خواهد شد که اندیشه اند
 میانه برداشته شود
 متکلمین روحانی که در ^{مجلس} مجمع علمیه منعقد نموده
 همه حاضر شده قرار برین داده اند که در فروری آتی
 (در کانگیشن) قانونی در اصلاح امور است
 پیش نمایند معلوم نیست که در اصلاح در زمین
 نه می خود چه را با نیا مجلس منعقد کنیم شک نیست
 ذائقه بسیار داریم که قابل ترسیم و اصلاح است
 عملی هم که آمده اند ما هم باید توجه فرمایند
 جهت اصلاح امور معلوم و در امانه که در
 انگلستان چسبیده حساب نموده اند که کفنه
 همه از صده و نوزده لیره است این توجه شود
 و علم دوستی است که از شمره علم حاصل کرده اند
 بلکه همه یک لیون و شصت هزار روپیه میشود
 که با پول عالیه ایران تخمینه یک کمه رو صده هزار
 تومان است درین قسطنطنیه این مقدار لایق
 ایرانیان صرف تعلیم خود نگردد اند با این جهت
 و سی در جهالت میزایم باطل متدبیر همسری میایم
 (اخبارات و حمله)
 اسالی که شصت نهایت برودت بوده مقیاس
 الحسد از طرف یارده درجه است در درجه

همیند کوش و لواری مجید و ابرف زیاد می اودقا
 است که که می دوفت برف آمده در روی هم
 بعضی بر که باغ نیست است
 مجسوس منضم کجاست تخفیف مصارف هر چه
 و تب بشود
 مردم شماری بنده و استان از ابتدای ۱۹
 شروع خواهد شد این وقت سلسله جغلیه
 شده مدارک بشود
 تجارت دلی روز افزون در قیمت سابق
 کارخانه ای که امدت شده بود نوشته ایم یک
 یک کارخانه دمانی صابون سازی اقماسخ
 مغفون است که فاقرب برقیات کلی خواهد
 میسر این ایام مرض طاعون در کمال شدت
 راجد با چهارانی در بنگلور آمده اند
 آده در شهر بنگلور وارد و مرض طاعون جنگلی
 شده روزانه چند وارد است طاعون بیشتر
 در دره خنیک بلندی کتل طایفه مشناری بر
 فوج شلیک کردند ولی نقصانی نریست
 حکومت هند از لندن و در نفع های جا
 طلب کرده که در پینه نمودن سعادون هسته
 سخی نمایند
 سن باب درسته العلوم علیکه میانه مولوی
 سیح الدخان و نواب محمد سلطان و اسلالت
 رود بل میشود امید داریم رفع اختلافات و
 شده بزبان قوم آساده نموده روز تازه بر
 کار آید
 در بازار دلالی بی دلا که با صرف یکصد و بیست
 پنجاه روپیه ملاقاتی ساخته اند در مصالح آن از
 زیاد می خود بودند دستبری ام کلین که از
 پارلمان بود و طلق داده اظهار نموده است
 اول شهر هند آبره جهت با وجود طاعون کمال
 رونق را دارد و دست بر صوف اظهار داشته که
 کنار در بازاراتی که ساخته شده مانع از ورین
 برای سالست شهر این امر با وجهت این
 جمعی حجاب و اظهار نموده که در حال است بر مجسوس

مضمون محبت تحقیقات تخفیف مصارف نهاده
 و نیندیان نموده بود که تا بل اقدام راه آهن اگر
 برسد و بار راه آهن رکس شده شود همان سلسله
 چسب کشیده شود امنیت کامل حاصل خواهد شد
 غیر از این خیال کنه غلط است ستره صوف میگوید که
 ایسکه کل از اسم راه آهن ترش است لهذا
 خوبست که قلم روان میانه روسن مجلس تقیم شود
 بزبانسی زبان والا آقای سلطان محمد شاه
 سی - آی - ای از لندن کجاست رنگبار حرکت
 نموده و رنگبار در این فاندان بسیار است آقای
 سلطان محمدت و لندن در کمال اعزاز و احترام بوده
 کنت کس از اهل هند باین اخبارات توقف نموده
 اجازات لندن ملخ ایشان بوده اند
 سستی کلینسی که یک نغز از زمان امیر از انگلیس باقی
 از ملاومت استعداده و مساعدت نمود جنرال اظهار
 نماز فی از سلوک امیر نسبت با نطنز میباید نامبر
 که اخبارات صنعت با فغانستان نیز دو هر خط و
 هم که باید بار و بار بکنند و خواننده آنوقت
 میبایند و اظهارات امیر از امیر و اکثر ناظم
 بود که تو کوی کرده است
 بموجب محاکمات اخبارات فیصله اخصای اطمینان
 درسته العلوم علیکه به بدین قسم شده که مولوی
 سیح الدخان از شرکت این در کسند خارج باشد
 و تمام اخصای انتظامی اتفاق رای نموده اند و
 این خط را هم نام اخصای مولوی سیح الدخان و
 ذاب جمعی میمان مس الملکت صد و چهار نفر
 صد و آفتاب محمد خان منظم و کسرتی را که میباید
 در دم بر سید محمد خان استقامت ستریکه خسته
 دارد و قد شده
 مسئله ای که در لایق و در همه فیصله
 من غالب است که جاری شود و غالب طرف ایران
 مسئله است
 در سلم و اخنت پر که از مصالح در اس است
 کمال قوت را دارد و در ستره صوف طاعون شدت
 در جان و در برین لغت کور در شکل و در

در اس است
 کمال قوت را دارد
 در جان و در برین لغت کور در شکل و در

رای کلی از دانشمندان قبلی بوجه ولایت و حکام

چون سالست که ما خود یاد داریم و ما دانشمندان قبلی
هم از زبان بزرگان خود شنیدیم که غالب اقتضای
ایران بواسطه استوار بوده است یکی تغییر و تبدیلی
پول سیاه دوم دعوی نان سوم قرائنهای ملک عهدانی
و غیره باشد که تو در مردم خنجر امین السلطان آوردن
و شکست خوردن آنجا که درین سبب اقتضای دفع کرد چنانکه
انان زمانه به سبب هیچ اقتضای در ایران من باب سکه گشای
طلای و نقره شده

اقتضای سبب قیمت پول سیاه این در مسلم است که
بصورت جاریه از آن جدا گشته از آنجا که چاره نیست
چونکه سکه گشای طلا و نقره به جهت دفع احتیاج است
و غیره است و چندان هم فرق قیمت میکند چون این
نار و پوست آلوده در آنجا که باعث اقتضای شده
است و اولی میون بیون در سار به قبول ملک نقصان
زده و نیز چنانچه می بینیم یک روپیه دو نیم قران بود
از در سبب او از آنست و نیم قرانست و چنانچه بجز
مغزانی و مسات سبی و غیره و حال آنکه ما در نقره و نقره
است از طلا و نقره که یکویم طلا تری کرده این تصدقی
لیون میون مملکت قیام چنانچه شصت هزار تومانی
آباده و از آن غیر آنجا که برده ما از پول سیاه صرف
بواسطه احتیاجات روزمره مردم است به جهت
نان که گشت و غیره که بطریق دست گردان است
این در مسلم است که پول سیاه را هیچ نمیکند مگر نمی نند
فستینه تغییر نمیکند و هیچ راه صرف دیگر هم سوا
راه مخزن در دولت معیار آنکه نایب در احتیاج داد
ستاید که ما می شود مردم نمیکند نایب این چنانچه
درین مقام موضوع بحث نیست علاوه برین چون
جناب بالکتاب اهل آقای حکیم اللک آرزو
وزارت قهر خیزه مشرب شده اند امید است که مردم
زنج نام فاعلات شود

اگر چه اصل مطلب که دعوی نان است و درین
بلکه اگر افغان باشد به راه در ایران به دست درین
چهل سال که ما خود یاد داریم و یک یک در دفع مریضی

شد سیصد و شصت و هشتاد و یک بلای و در حالیکه
فلسفه ایران به جهت آن علیه السلام بود و در هر سینه
فرمان کوشش و سستی و ذرات آنی التزم حال و وقت طلب
وزی وضع مانده شده ولی این قسم که در هر وجه اولیا
در هزار تومان الی سی و هفتصد هزار تومان خسته
مرفته و بسیار از آنی نان فراهم آمده مردم ساکت
شده اند بدون اعتراض از روی خیره نیستون گشت
که زیاد برسی کرد و دولت است و دولت درین سبب
افید و دعوی نان شده و چنانچه هزار نفر از مردم سجان
خود را باخته اند

تعبیر نیست که روز بروز سال سال و صدها
حکام این دعوی نان می نند ولی فکر نمی نمایند
که یک قدر دفع تمام این فاعلات شود واجب است
که سکه گشای طلا و نقره است که در هر روز
دو چار این مختصات علیه می شود و در هر روز
ما نیز تمام جوانم بریشانی را از ارزش کرده مثل
هیچ اقتضای بوده و بعد ما هر روز آید و آید
سینین اعتبارات ما هم و قید که می آید و سکه گشای
تشریف گماینه می بینیم که از تو جیات
نان فراوان است آنچه هم چه قسم ده هزار تومان از
کینه خود یاد دولت شرح کرده به جهت یکماه دو ماه
قفاوت نان داده است (حسن المین هم سکه گشای
تجدیات را میکند ولی از روی ناچار نیست که در
شهری سواران باید بی سوار شد)

بازی از موضوع بحث خارج نشویم مالا باید تصور کنیم
که در دفع دعوی نان به جهت نمیکند مکنست
یا نه بل مکنست تقیمی که در تمام روی زمین مکنس
دانشمندان کرده و نمیکند ولی این امر متبذره و متقدر
است اول تصور در علت فانی دعوی دوم فکر
در نه اهم آوری آسان
لا تصور در علت فانی دعوی نان که درین چهل
سال شده آنچه به تصدیق رسیده درین چهل سال
چهل دعوی نان ایران حقیقی بوده یعنی گران و
شده بوده با سبب بواسطه چنانچه در اول فقرات
دوم اندازد و با سبب از آنجا که در آن راه

نوم مردم در وقت در ایران که علت فانی و سبب
از نزل پارم احتکار و حکم و حکم و فساد اعظم وقت
پان احتکار است که خداوند آتش از جهان هم کند
امدی آن سنواران که سبب کند قحطی مردم می آید که بسیار
می شود و دعوی نان و قسط در هر جا می آید و در موضع سخن
مفید در گران است که دعوی نان و سبب است

بسی گران بی جا قابل توجه مسلمان ایران از سخره یازدهم

باری زیاد ازین نیستون گفت باید بهت کرد و
رشته نمک با دست آورد و مکان با دست
و ادب علوم خارجه را فارسی نمود لفظ باهوش با
باید از زبان مکتب خانه نامی قدیم که چون کورن سلطان
نگه آید ز سادات بر این سبب های سبب می کنند
و انسان که با ما نشاند و سبب سبب او با یاداری
که درین عالم طولیت که حکم کسب کتاب است
که حضرت مولانا عبدالعزیز علیه السلام فرمود
کالتقش فی الجرح من جرات موش که بر زمین کرد
درد فانی و در سبب سبب های آید به خصوص
که از روی یک اصول صحیح وضع شده باشد و در این
کلمات کلیه بوده باشد سبب آنکه که طبع سبب این سبب
مثل اینها به اقل بکار است مان نکرده در روی در این
بخواند و اشده اگر نفس آید که پس از من که چنان
آب که باری علم خوب جز نیست علم در نیست که آید
که جانش از حقیقتی با وج سبب سبب صد و خواهد
داد و در وقت که دولت تریون را در سبب تربیت
سی سال با اول روی سبب سبب سبب سبب
که هیچ دانی ندارد و خلقت و جهالت فانی و نیست
که انسان اهل آن خواهد ساخت

نظری بری عالم از این سبب انصاف وقت بکن
خوایم دید که در هر خط که بی را معلوم و سبب
شود و روشن و درگی و لا تخم را تنها را با در هر
پس باج شان گشته است
برای خود نمیکند خدا میباید تو هم البته میدانی که
که هم نظر بر خود و نفس شخصی نیست از روی سبب

دفع برستی و دولت خود است از خواست
 بر خیزیم چشمها بکنج اطراف عالم انکار کنیم
 همه مردم قبی و دشمنان اگر یک دقیقه از روی مردم
 جسد افتاده و اما بعد هزار خصل از راه خارج عالم
 دوریم وقت اینست که اینم این عصر مبارک که عصر
 سعادت است از دست ندهیم و جو و مقدس است
 اندر ظل الله استقام بیاور که خدایش از روی او
 منتقم شویم زبانه لال است بزم عدای خود است
 بواسطه این جهالت و غفلت کاران کجایان است که
 بجهتین بر ما کمر کنند که فعال مسلم خود را آبیست
 سازند و غنچه نمایند و چنانچه در تقاضای زمین
 حکم تازه شده است ازین جهالتی که ما داریم
 بیرون مقدس اسلام مظلوم شود و مردمان اردو با وقت
 میروند اسم یک جامع مسلمانانی را در کفر کنند
 و دشمنان این از نیست از کسیت خود بر سر خود
 و خود را بیس و باور کرده ایم سایرین بمقتضای
 وقت علوم را دریافت نموده هر روز از طرفی و از
 طرفی پیش میآید
 ما بجهت آن مال هزار سال پیش خود باقی مانده ایم بیکه
 پسین تر زفته در روز بروز فروتر شویم و موجب
 و بیکه هست بین مقدس اسلام هم نرسیم و خیال کنیم
 که واقعا این دین مقدس مانع پیروقت است
 بجهت قسم حق نیست اگر ما از روی اصول و قواعد
 اسلام منته کت میگردیم بر آینه از جمیع ملل صلح بودیم
 عربی ما از همه پیشین و اخوس که ما اسلام دین را
 گما که از روی اصل اصول دین زلفا موش کرده در
 مردمان قبی خود را فرو برده ایم که از همه چیز مان
 باز داشته گنای قانون اسلام است که مردم خود
 که اعدا بدو و مردم و متابع الیه عامه است که متابعین
 از ما نیستند بری باریست که از دشمنان است که
 مندم است و همه در همه بانه کوم با قدرت و
 کتابت شود شبی چند نفر از خود را در جمع بود
 حطت از روی دولت و دولت از میان بود یکی
 از جهات و اینم سر را بجهت خود برده ما است
 میزان نشسته است

کتم برادر تو را چه میشود و درم انگل از پیش ما
 بکمال بریانی گفت فغانی که در افتاد و داریم که
 دین ما بهترین دین است و همه ما سواة الله
 افضل از جمیع انبیاء و سلف است و او خود وقت
 آتشش کتم آری قری ازین نیست
 گفت پس چه از کلهها و غیره جمیع تر قیاسان از
 بیته است و با کلی محتاج و در بون آنجا نیم هر چیز
 خوب را ایجاد کرده و ما بیسند داریم کتم صحاب
 راست میگویی و حق داری و لکن اصلا در موضع
 اشتباه شده گفت چه طور گفتیم این وی که
 خدا پرست من و دوست آن دین اسلام است
 که خدا رسول مقرر نموده گفت این چه
 سواد ما همه نماز که بخوانیم روزه که میرویم غنچه
 که میگیم حج میگردیم زکوة میدیم دیگر چه
 نیستیم بین اسلام و مسلمانان چیست کتم خودی
 کتم که ما مسلمانان نیم داد و داشت کردی اکنون
 که خود اقرار نمودی گفت نبی چه کتم آقا جان
 پیغمبر اصلی الله علیه و آله وسلم رحمة للعالمین بود
 خداوند تبارک و تعالی تمام کلمات الله خود را در
 احکام شریفه اش کتب فرموده که اگر ملت
 اسلام کسب آن حکم عمل کنند بر آینه نیکترین جمیع
 ملل خواهند بود و از خود بیسوتری من نیستند
 نخواهند یافت
 شادان دعای من کتب و از نعمت که پادشاه
 دانش و قوی خاست قانون صحیحی برای مملکت
 خود وضع کند احکام قرآن مجید و قواعد شریفه
 حق تعالی است از آنکه سعیدی رواج داده نهای گامی
 دانسته اردو بصدق کرده و میگنند که هر چه
 احکام شریفه ماوی جدیدین گوی حکمت است
 ایها را بیسند لازم نیست که بنده برای شایسته
 و بیان نایم که گوش عالم ازین زیار است و جمل
 این مطالب را بخونی سینه و میدانه آمده ایم
 بلکه خواننده او لکن همچنان حکم دین
 ایم چون مردم مسواة حج زکوة نماز است
 ایستادگی اردو که ما از راه اسلام

(سودان)

انبارت مصری بعد از فتح خسته طم صدامان
 کرده با نادر و خنین یکجند که این فتح سودان از
 مصر خارج نمود و بدو انخت که این مسلمانان
 جنگ بود قبل از جنگ مصر بهار زیاد بر انگلیس
 فتح سودان بود و ما کفر فتح شده بود از طرف دیگر
 دیدند فریاد میزدند که کذافات تازه کل دیگر روی
 آورده و چنان سفاک میشود که آزادی مصر در جمیع
 است معاهده من باب والی گری سودان بر ما
 و انگلیس شده حمایت دولت انگلیس را بر مصر
 میداد و سنواتی و گداره و سلسی در تقری خود
 قبل اظهار داشته است یک تقیه خود را با هر میکند
 چندی نگذرد که دولت انگلیس علیه مصر
 حمایت خود قرار دهد اخبارات فرانسوی
 دولت عثمانی را ضایع نموده و فرانسوی
 خود است در بحالت دولت عثمانی و شرف
 هستند اخبارات ترکی زسیست که خیالات
 عثمانی درین معاهده مظلوم شود چون مصر آزاد
 شاید درون اصناف دولت عثمانی خواهد معاهده
 بنماید البته رجال با سیاست عثمانی خطا قرق خود
 خواهند نموده و لغت نجات سیاسی خواهند

کریست

بعضی اخبارات میگویند که حضرت سلطان شجاع
 زوس من باب عدم والی گری پرسن تاریخ
 خواهدش نموده مسلمون نیست که این غیر
 عثمانی خوبی میداند حکمت اولی چه در
 بدون حمایت صرفا از روی تعصب بوده
 در مان و جنگ با عثمانی در زمین
 بیاید شش و یک نفر است گفت که دید این حرکت
 کند که کتب کسر زبان شود و عثمانی
 را نمی شود که دولت عثمانی آتی
 بخوار را می کند و دیگر از قوت او
 حیوانات امیه اسلامان از روس
 دولت خساری در پی سودی دولت اسلام
 مسلمانان با هر نفس شده و نفس

سیاستی از مره یازدهم (حکومت و سیاست)

در ایران چند چیز مانع شریف هرگز تصور نیست که در این
 سیاسی است و منیر و کبیر و منیر و منیر است که با
 از مردم بزرگان و انا و راه مال طلبی و مدنی و مدنی
 نگارنده مدنی و ما بسبب که در این زمین نهسته و از کار
 سخت نیست اما در راه حضرت خاتم نبوت را که بکنند
 نیست اگر آنحضرت تبارت نشود که در هر کجای
 در هر حال با دشمنان مبارک حساب باید در هر صورت
 دست روی دست نهادند و فرمودند که اگر کار خیر است
 جان پیشتر است بیچیک تعجب این سخن بر بخوریم و در هر
 برای کار ایران نظام بشکند و در ایلیاد است همه مللین و در
 علم سلطنتی واقف نموده اند برای کار ایرانی اسلام قبول
 نموده و با آنکه طهر و حرمت و کرامت علی بن ابی طالب است بر او
 نفرین نموده اند که ایرانی و نام خود را دلیل باشد که
 صد هزار نفرین بر چنین عقاید و عقیده با او نمودم اگر این
 صاحب اردو چهارم بجز خود دنیا در گذشت است با یکدیگر
 بی بی غریبی که در ملک خود نشسته و خود را صاحب ملک بشمارد
 بر او چه بر او بسپارند گرفت ای مردم هر قوم ترقی نموده
 در سایه این نیت تمدن است که خود را مالک ملل و ملت
 بزرگ کوچک خود را شریک انداخته و هر رفته رفته هر چه بکنند
 آنان صاحب نموده اقبال جدید با هم او در پیش اند و دنیا
 فرزند گرفتار است در طلای وین خود کوشیده اند و بچشم
 گمانه این شهر علم و غیر علم شامی و در این شهرها سلسله
 اعرف ازین که فرستوی من بنده سید کافر مشوم و من
 میگنم روزهای از انسانی لشکر بردار با جاسوسان
 پیوسته و وقت خود را در سایه دولت امیدند و غارت
 میسوزان لشکر هم نیم و این تفاوت از جاده است
 زیرا که در این شهر هم می رسد علم ترقی نموده اند که در این
 علم غیر علمی عالم داشت نیز است بعد از تصرف نماید و
 فکله در این مدتها این طریق را و ادوات اینند و این است
 آمده و در محافظت کوشش و ترقی را از دولت شامی که
 در حال خویش را در دست و در راه وقت علی خود که در وقت

و نظام داده و من در این ملک بودم و این مردم
 در صد و بیاید که خوار می سید را بکنند و داده از وسط
 آفرین استی در برای منده نماید که در زمین جاسوسان
 من در از بوق هر روز جهات و لشکر دست بر سر
 که در قلم می علم نمیداشتم نیز است مدعی است که
 نفوس بر سید ملین نفوس بسیار و فرجه و در راه کلم
 رو کرد زای روزهای روزهای که در وقت مدنی تسبیح و
 و این کرمول و در شمس است آید به عبرت کمال است
 من نمی گوید که در ایران طریق تحصیل معلوم نیست
 بهر حال رسد و در به در از اینهای بابت و سپاه
 از احوال تحصیل دشمنان دولت نموده و در هر صورت
 او در بار در ایران جاری کنند و ملاحظه مسیح حضرت از
 دیانت را نمی نمایند و این نکته مهم را با نظر برینا و در
 ف جزو دیانت ترقی نموده اند و در این شان
 و شرف و شوکت تر اندیشداری از برای خدای تعالی
 رسد و راه این سبب محراب رسد و بعد از آن
 گذشت آن زمان که گویم علم الی بی نافع بزرگان است
 فرزند پایه شد علم ختم حاکمان این کار را به رجا ساری
 رسانیده و در آن زمان آب بکنند فرود است که در شام
 ناز در انانان بوزخ او را کشیده شده و در در
 کبری لال جواب و اینها اندیز استلاف و دستور است
 جنی و خدای بگویم اهل علم اهل این علم اهل این علم
 بر قدر نادانند که سنانیکه میزبانند بزرگان این ملک است
 نمایند عباد از جهات مردم تا مال دولت چنان
 بر داشته است اگر عالم میشدیم باید ایالت سیرنا
 امروز صد ملین ز را باشد و اینک در ایران از دست
 باقی نمانده اگر مردم عالم بسپوزند چگونه میشود
 بی جمل مردم جهان و بعد که مال دولت و ملک غیر است
 جهان در بیابان استاده از بیابان غرض ماری و سگ
 میباشد
 تا در سنانان از ترس که میاید مردم عالم نشاند
 چشم کوشش از بشود یک از بدو استم را از دست
 نیز داده هم که در این راه برای بر خاسته و از دست
 برکن ملک و او را وقت رسانید سه طریق علم و
 تا آن زمان پیش که در زمانه میسر مردم ایران عالم است

و اگر نتواند بواسطه این نبود لکن این ترقی است مدتی
 از این بود استندین مردم است قوی که ترقی نموده نیکدا
 بکنند بر راه خواهد بود یک نیکو کاری استند زنی
 مردم را دوست نماند مثلا بعضی حریست اما این است و لا
 خدای بی نیاید نموده که میکنند و من بهترین و انانان که در
 با زبان سیکیم است بر مصالح که در مردم بود و در کار
 منترایم سکر المون میدانیم و تفاوت قول خدای رسول برون
 خلق را با آنکار در نموده و تلف کرد با نفوس مردم
 ظاهر صفت از خدا بجان و بد بزار کافر میدانیم و هر یک
 فو ظلم و عنایت منزه اندیشند از ایمان که کفر و هر یک
 عالم نموده با فعال کسب بصیرت نمایند و چند از مردم
 میباشیم که سیکویم مطالبی که در عقب نصیحت نموده ای می
 گذشت است آن زمان در سه طریق غیر دولت و در هر
 و در بکار بریم اینک صبح سادت را بیان در سایه جاواید
 اینحضرت قدرت در شبانتهای صرافت پروردگار است
 از او خاندان از افاق حرفت و میده بازار چهار صند رواج
 از او و کار نبوت بازار استوار کاسد و نامه و نه شده است
 هر قدر سلوکات خلق ترقی نماید جان در در شان و شوکت دولت
 ترقی خواهد کرد که دولت از بود خلق ترکیب یافته افزای بود
 اعلامی شده و در جهان در یکسب رونق و طافت نماید
 اگر خلق جاهل و از زیر سینه ماری باشند چون شوکت
 دولت و تحصیل سینه از زمین جلا تمام خواهد شد و در
 از شته ات دولت بکار در امور ات دولت در حالت
 نماند ملک خراب وقت پایمال کرده و در اثری از بود چنان
 اموری حاصل نخواهد کرد
 و اگر خلق عالم باشند از مردم از مردم از سینه است
 بر او از مردم و مقام تمام در کارگاه صبح نصیحتی کامل شد
 دولت روز اندوز ملک سمور و وقت نغز و صاحب
 خواهد کرد
 دولت عالم دولت بزرگ است شده و منیر باید و از مردم از
 عدالت را بجز عدالت و محنت در در سر سوخت نیست جزئی
 با ابانی هم که در مول شده و تا آنوقت نادانی آن نیز در از
 خون زنی راه زنی شود پس یکی تیره جمل است که نیز نفع
 فرزند اندیشند و در چنین عصری خود را دولت را بد نام
 و اگر علم داشته باشند از آن راه او ب خارج شده و در ایالت

خنده بکاره و در بیانات حسنه اندیش که در دم ظاهر شد
 تمام راهبای ایران تا پاساخته شده بود زیر استیلا
 نفوس ایران چه راهبها و کاهنهای مفسده افروز و ارباب
 خود را در ایران راه راه و چاه و سوراخ کرده اند تا مال
 سینه و برونه و این راهبها چون بطوری بیست کرده
 باشند چنانکه حرف میزنند و نیست که بیسوف غایبند و تمام
 نیکند که راه اورست و دست آورده شوند (بقیة)

قابل توجه اسلام بقایای
مکتوب عبدالحمید آفندی از
نمبره یازدهم

باری این دو عنوان بزرگست که صاحب شریعت
 مقدسه در کتاب اسلامیان در دین مقدس اسلام
 داده باین هم گفتا فرموده و بسیار شود که عرض ده
 و علاوه شخصی در انفساد اسلامیان پیدا شده
 که کم بود که شیطان آنها را از میدان دور کرده
 که کم بود که در باره دین مقدس اسلام لطمه باندین بیاید
 باخترت اسلامیان بلکه بگردد اولاد فرزند که تمام
 اسلامیان چه در شرق باشند و چه در غرب برارند
 و شرایط برادری جیانه قرار داده یکی از آن شرایط آن
 اسلامی است که در وقت و وقت و وقت و وقت و وقت
 اسلامی خود آنچه را بجهت خود دوست میدارد که
 ابایی است و ای یک دنیا حکمت و پیشرفت مقنا
 اسلامی اسکایان درین حکم حدس قرار داده که برانها
 از وقتند بر قلم آنست که در وقت و وقت و وقت و وقت
 بجهت نگاهداری و نبات این اخوت که عبارت
 از مساوات حق العباد باشد قرار داده پس که اگر
 انقیاد اطاعت و مساوات خبر از نماینده گذشت از آنجا
 دیگر رفت و رفت باعت که در وقت از انقیاد شده حکم
 نخبه عبادات میشود و عبادت لازمه باقتضای
 و اختلاف سابق از پیش رفت مقنا اسلامی بیکدیگر و
 از طرف خود که بسیار خبر از انقیاب اسلام مساوات
 چون این امور تیره رود آشنائی و معرفت مستحق
 اقا رب را مقدم داشت و از آنجا که گذشت بیاید
 که زیاد با هم در جوامع و اجتماعات قرار دادند و فرستاد
 انحضرت که با چهل خایه میسایکی دارد و حق ملائکه

از چهار طرف فکری چهل خانه را بگیریم یک شهری شد
 که یاد اطاعت و مساوات یک شهر را بر لایزم فرمود
 که راه و راه است اسلامیان پیدا شود و ما منبع است
 معاصد اسلامی که دو اگر چه در هر یک هزاران است
 که فصل حکامی عالم در آن میدان مانده و خواسته
 ولی باز گفته اصلی آن همان است که مضمونی عمل
 بیعت است اگر چه من با کسان بیعت شود و در وقت
 اسلام از میان برود و چنانچه وقتیکه اسلامیان عمل
 با کسان بیعت را ترک گفته و اسلام را صرف همان
 عبادات ظاهر به مثل صوم صلوة زکوة و حج و غیره
 قرار داده زفته زفته اسلام مخلص اسلامیان
 بیعت است اسلام و اسلامیان در عمل با کسان بیعت
 تمام این مراتب بسیار که آن را برای علم اولین
 را پیشین بود که دوام و تمام دین اسلام منوط نگاه
 و کیدی و چگونگی اسلامیان که علاوه بر آن حکم
 است و در هر دو حکم این گفته است که هر کس که
 استقامت است از نظر مبارک نداده

مشکلا گفته بر سائر احکام اخوتی را که در سائر اسلام
 فتنه راد و خود آن بزرگوار را تمام نمود و سائر
 سایر را هم با اخوت یکدیگر گفتند و همانا بیعت
 است این اخوت در معرفت و ارادت نمود و در
 مقصد از اخوت اسلامیان این بود که در اول
 که بیکدیگر پیشتر حکم از مسلمانان هم چون در هر
 و پیشرفت معاصد اسلام کرده آن عمل با کسان بیعت
 متفق و متحد باشند با این امر که هیچ گفته را که
 رقی اسلام و اسلامیان فرود که از نظر خود بیعت
 تجدید عهد اسلامیان و بکنند شدن اخوت برادر
 و اتحاد اتحاد و این قرارداد و این خاص و غیره
 این خاص گناید از مسلمانان که در روزی بیعت
 مسلمانان را این شدن و تجدید عهد اخوت نمود
 و مسافرا که داد مالی بنیارت در عمل با کسان بیعت
 اردو ناکید اکیله فرموده باین پایه ناکید در این
 مسجد را لازم کرد که اگر کسی بیعت نماید با کسان
 عدلند و درین اینجانب است اسلامیه که مسجد است
 حاضر شود و عدالت و مساوات حکم بر دین بیعت را

انجمن داده است اگر چه نماز خود از نماز بگذارد و
 از حکم این برسد که بیعت با آباء العیاد باشد که است
 ما شایسته ما شایسته این همه اساس بیعت بیعت حکم
 اسلامیان بر سر شده تا در عمل با کسان بیعت که بنیاد
 و شالوده اسلام است تکامل فرود یعنی عبادت بیعت
 بقدر که مسجد ابرام و غیره را افضل و عبادت و بیعت با کسان
 بعد از آن حق عبادت در مسجد عبادت و در هر یک
 نماز بیعت داده و در مسجد های که یک عمل هم لابد
 قلیل از اسلامیان اینجمن نموده تجدید عهد اخوت
 و برادری میشود این همه بنام بیعت مسلمانان که
 قدر اوقات بعد از اینجمن خاص اسلامی دانست
 اینجمن عاصد اسلامیان عالم همانا زیارت بیت الله
 الحرام استنای قبران احکام شریف فرموده که تمام
 اسلامیان شرق و غرب عالم با وجود استقامت بر حال
 یا عمری یک مرتبه در اینجمن عظم حاضر شده تا تجدید عهد
 اسلام و عهد اخوت اسلامیان سه عمل با کسان بیعت
 یا آوری نموده مسلمانان غرب عالم از اعمال و عبادت
 برادران شرقی خود واقف شده و بعد از آن آنرا بکمال
 یکجبهت شوند و اگر در زمانه از دنیای عالم و در کمال
 تفرخی روی دهد و محض تشبیه دین مسلمانان را
 پیدا شده باشد برادران و اریک دل و کجبهت مدارک
 در دین معام مقبره که نمونه از قیامت است اخوت
 خود را تازه نموده با قلب صاف متحد و عمل با کسان
 که شده اول اسلام است شوند مقصد و مصلحت بیعت
 نیز از هم حکم حکام و او در دین مقدس اسلام را با
 کم از کم که کتاب پر بریزد از بیعت اخوتی بیعت
 اگر تمام حکامی عالم جمعند و بخواهند حکمتی از کتبهای
 و ذاهب دین مقدس اسلام را در کنگنه عاجزانه
 سکون بقدر عقل انصاف است
 مستطوره است که مسلمانان باید تشبیه و تشبیه
 و خصم که بگذرد در دنیا و اصلی و حصدگی اسلام که شاه
 راه بدایت است و در راه فدا و ایام و بجهت اخوت و در این
 نیست و راه ایام از یک طرف خود را مسلمانان سکون
 با حکام دین مقدس اسلام نمیکند اسلام صرف اتوار
 نیست عمل با کسان با شرف اسلام و با شرف

نه دکن از خاندان ممتازها که از روی ماهت
 بار و زهره کرفتن که صرف من مبتن است یعنی که
 عبادات شخصی مسلمان نخواهد شد عمل با بکان فرود
 ملقت شود اگر یک رکن از احکام اسلام از ماسط
 شود ما را مسلمان نمیتوان گفت بیعت اخوت
 و صافی یعنی یکی از ارکان اسلام عمل با بکان
 (باقی وارد)

تأسف تأسف تأسف
 چندی قبل نوشته بودیم که به توفیق و رخصت جبار
 مستطاب شریعت دار مجتهد المصممی آقا شیخ محمد
 خلف مرحوم رحمه الاسلام شیخ زین العابدین قدس
 در دیده آید و دکن که تاکنون شیعیان مسجدی نداشته
 با اجازه اعلی حضرت نظام دکن فکله الله لکه مسجدی هم
 به مسجد جعفری تعمیر شده ولی انوس و خوشبخت
 ولی دولت مستعجل بود بواسطه عباد و تعقیبات
 تا بلا شبهه حال فریقین یکجا بسین در آن مسجد نماز
 خوانده گفتن لفظ فصل و از آن باعث نزاع و
 اختلاف شده مسجد را بنده نموده مقدمه در عدالت
 دائر گردیده تا مقدمه در عدالت جاری بود
 مقام آشفته تعمیر یافته است که امروز روز در شرق و
 غرب عالم مسلمانان خالص اتحاد شده ساهی اند که تا
 رقع اختلاف نموده چون شیر و شکر در هم میانند
 و اخوت اسلامی را تازه کنند چنانچه نشانه این
 اتحاد مقدس بنده هم سلیت کرده و اینکه در
 سالست که مسجد الدین و دفتره بزرگ اسلام شهر
 اتحاد شده اید اصداقی از اختلاف میان آنها
 بلند نیست حال آنکه قبل از آن صد با یکدیگر برار
 مقدمات و مناقجات نه می ازین دو فرقه جدا
 بنده ما را بود در چنین وقتی که نزدیکست بیعت
 اسلام خواندن و نیات مقدمه دو سلطان بزرگ
 اسلام در دهم و ایران اخیخ اتحاد و اسلامان و
 کرده شمره آن عالم بحال عالم اسلامیت شده این
 اختلاف تازه و نفاق جدید که میان این دو فرقه
 مسجد را در روز کرده خبر خواندن این اسلام و
 است که تأسف تأسف شده است

ای برادرین اسامی ای بزرگ برادران دیانت
 محوره بجهت اسلام قسمت کردن اسلام و مال
 اسلامیان بواسطه تعصب جاهلانه و جهالت
 های عامیانه ازین بگذرند که ما در حفظ نهیم
 اقدام نایم اما بجا گویم روح و اندام لفظ خود
 بفصل محصل ستم خبر ندیم که اعلای کلمه بود اول
 از میان میزد و رقاب مذموب و دشمنان یانت
 در محراب کلمه صدکی اصل است سعی کرده میشن
 اما در اعلای کلمه فصل و فصل که فرغ این کلمه بزرگ
 صرف هم خود را میفهمند غایب از پای بند و برانست
 نماید در فکر نقش ارکان است
 ای مسلمانان از خواب بیدار شوید و آن کی چشم خود
 بالیه و ملاحظه کنید که در چه فراطیم آنچه بر آید
 از فحاشی و اختلاف بود اگر تباينات مذموبی بود
 و شیهه و بی فراق تمسب نموده تمام مسلمانان
 یکدل و جهت میشنند و در اسلام متحد القلب
 و اللسان میگردد و بدینوسیله تو انستار از افح
 کند بعد از آن بجز قدرت استغاثی انبی چنانچه
 سلطنت های وسیع الهی بقیعنه ایانب می
 اوفتاد و دست و پنجا لیون نفوس اسلامی
 در تحت طاعت و رقیه عبودیت و کبریا نشین
 و ترازه قوت اسلام از هم نیکوست و لیونها
 افراد مسلمانان از جبار یا اقتیاد اجباری میشن
 و بکبران بسیدون نمی آید این زلفها و جبارها
 بس نیست ای نبی صم در چه فسادات عظیم ستم آید
 رواست که ما دین مقدس اسلام را فدای تعصب
 خود کنیم حال آنکه سید از اول دین اسلام بس
 ما هم باقی نخواهد ماند این پر غفلت است این
 به خواب است این به تعصب جاهل است که
 ما فاخته میشنند بر ریشه اسلام میزیم بلند کننده
 اسلام میداند که با این سیلهای میان کن که اینها
 طرف بر اسلام روی آورده اگر یکفرقن دیگر سب
 بخش نیاید و این حالت جاهلست و تعصب
 باشد در فحاشی و اختلاف را از خود نه نایند و
 اسلام خود دولت است چون بود و در هر کس

تأسیف تأسیف تأسیف
 بیعت دین بود و در هر کس که بکنند همان تاریخ
 کمال آشفته و بیستی از روی آنها از زبان یکی
 و خاق افراد ظاهر میارود هر یک از این
 بزرگ که در محراب نیست نام و بنده از کس خاق بزرگ
 کردی از خاق بن مسالین است آنها و در دین
 وقت و یک عالم الحین بخر برادی اسلام را بنده
 علم و در هر کس که بنده بر اسلام بودی و در هر کس
 که با او از طاعت ستم بر این اسلام است که بی
 بر وسط خاق نیست اسلام منتظر و منتش شده
 باعث اختلاف تحت اسلامیت از اسامیان ستم
 شده از فحاشی و نسیات مذموبی تا خط مجتهد
 در آینده با این تعصب جاهلست اسلامیان گفتند
 آید دشمن چه سالی به سلام نیست این چه بیعت
 که مسلمانان را گرفت این چه تعصب جاهلست و
 غفلتست که پیش و حسن را برده و در نای با بر بار
 داده است که طاعت بزرگ بود و اگر از یک گفت
 شما رند محسور بزرگ ذمیک کرده با بیعت
 آنها در مانده جنگی و از عادت گوی دو جا بنده
 قتل نموده و قیام آید اما قاتی کردی و بیعت
 که هم منطی در ملا و تمام شده همان حال امروزه که
 در اسلام و اسامیان و بیعت و بیعت ای مسلمانان در همه
 علی الاطلاق شاه در سید مکان قدس بیعت که بیعت
 که درین جهالت تعصب جاهلست خاق و مانده جنگی
 اسلام از میان برود و وقت بر شیهه خواهد ماند و بی
 با روی محسور گرامی با بیعت دکن در شمار بود و بیعت
 و الا حضرت نظام را در ده مسجد بوضوح بی بیعت
 لبها بیعت است که چون از این طریق بیعت
 درین مسجد بیعت نشانی و دیگر و ملا و خوف
 و انسی هم برود و اگر کس است که بیعت
 شل سار سارید با او از آن گویند و بر سر این
 مسک کلف باید تنوب سار او بود و او را در
 کردی بیعت بیعتی دارد ولی بیعت است اسلام
 دها بره بر او با آنجا افتاد اسلامیان بود
 شایسته ای هم نماند که در بی نصاف بیعت

قسم را درین ریاست اسلامی بود احوال آن آهسته آهسته
 پسند میکنند و حال آنکه در عهد الهیای مملکتی ختم
 کنون فیصله نشده بود این فیصله اگر چه بیاری ریاست
 برین شده ولی مسکت که اساسی بخش فرقه شیعیه
 بقول شخصی که (من از حرکت غیره سر از آن میترسم که در
 در خانه زام را بلد شود) من هم از آن میترسم که در
 اختلاف اسلامیان جدید را با عهد و اسرار و سایر چیز
 رشته های نامی بر احوال آن اسلام در آید این دو فرقه
 بزرگ جنبه شود و غیره احوال آن اسلام را گمان این بود چنین
 امید داشته که از آنجا بزرگان اسلام این باب است
 اسلامی یعنی این فیصله خواهد شد که یک مرتبه
 قطع مآذ شده و رفع اختلاف کلمه این باب از شرع از
 هندوستان شود و این امر در عهد آباء و اجداد نهایت سهولت
 داشته و در این چنانچه در آنجا داشته میشود
قابل توجه عامه علمای هندو
رجال دولت علی صوفیه
 از بزرگان نیست که اینست با اختلاف جهال دو فرقه
 شیعیه و شیعه است که شیعیان علی و اولاده و طایفه
 بلا فصل را در آن میگویند و بدون احوال تاکنون
 لیدنها شود خود را در عهد الهیای خارج از اسلام
 صرف اینست که نموده حکام هم از روی صلحت وقت
 در هر کجای مملکتی نموده اند همین مسئله با اختلاف
 شیعی و شیعیه هند و مانع از اتحاد گشته پروا نیست
 بلکه در سیاه و فرقه تزاری شود و اسباب اختلافی
 آید بقی یا نا حق جهال طریقتی بچشم آورده سایر آن
 گزیده و گشته اسلام را غراب بر باد میکنند چنانچه
 شیعیه ایم دیده ایم و امروز هم در آن ستم رفت
 برای وصل کردن آدمی فی برای فصل کردن
 علای اعلام اسلام که آنرا اسم علم محبت ترویج شیعت
 مطبوعه و ترقی دین همین رفع اختلافات اسلام
 عمل محبت است که تاکنون این جنبه اختلاف را
 رفع نموده اند و حال آنکه باید که تو با آن بزرگواران
 رفع این اختلاف میشود برادران سنت و جماعت
 را درین امر اختلافی نیست بلکه از تصدقات بیست
 که حضرت علی و اولاده و طایفه رسول الله است پس

به التزم بهمان لفظ بافضل است که برادران سنت
 جماعت میگویند این لفظ که در عهد الهی را شیعیه خوانند
 است به اتفاق حضرت سنت جماعت حضرت علی
 خلیفه چهارم است از اختلافی در باقی فیصله
 نیست اگر گفته شود در عهد با این لفظ برادران
 نیست ازین رو بیا که گفت در عهد شیعیه بر این
 به در اولیا همین جنبه و نماز نیست این را در
 چه اگر اختلاف در عهد بود در آن شیعیه میشد
 آن شیعیان و در عهد معناد و در عهد
 بر خلاف یکدیگر و هر یک به رسوم مذہب خود
 میماند صرفاً همان برادران سنت و جماعت
 با در لفظ بافضل است
 پس اگر علمای شیعیه و شیعی بر اسلام و اسلامیان هم
 نموده اند هیچی که نیست رفع این اختلاف بنقد
 بنمایند و این قسم تصفیة نماید که شیعیان علی
 ولی الله خلیفه رسول الله با اسباب این لفظ را در
 اذان استعمال نماید که سنت جماعت هم میکنند
 و اتفاقاً دارند سنت جماعت اقرار نموده اند از آن
 طرف چون این لفظ در اذان بر شیعیان واجب است
 و بافضل اتفاقاً قلی است اقرار بر این کجایی این
 لفظ جماعت دیگری اختیار کنند هیچ شخصی در اذان
 آنها وارد نخواهد شد بدون اینکه خلیلی در ادای دهم
 در شیعی آنها بیاید رفع این اختلاف مستونده پس از
 تصفیة این امر جمله درست کرده علای اعلام و حقین
 بدان متعهد شده اند متعهد فرما فرمایند پس پیش کرد
 که در هر نقطه هند این را در پیش آید همان فیصله
 مسکه بزند بدون آنکه شروت و قول اسلامیان
 از میان برود و خلیلی در اصول ایشان بیاید و اتفاقاً
 و عداوت آنها با یکدیگر زیاد شود در رفع این فاکتور
 خواهد شد و قنیکه بیای مسالمت و مسالمت
 نباید خیال کرد که البته باید با مسکف خود را
 نشانی
 از جنبی مراتب آنها با چشم پر پوشنده از جنبی امور
 اینها تا رفع اختلاف نبود و اگر تصور شود فیصله این
 قسم است چنانکه ازین رو در عهد شیعیه و شیعی

مقدمه سوره جزئی در عهد آباء و ادر شده جل العین
 عین کامل بود که رجال با دانش و سیاست خود اسلام
 در عهد آباء و اجداد کلیتاً رفع این فاکتور و از عهد آباء
 نمود انوس که توبه بر کس برود که در یکطرف فیصله شده
 و پیش از پیش این نیستان نموده را در امن زود
 در هند و ستان ایران و در تمام اسلامیان برادر
 چون شیعیه و شکر در هم آمیخته در فکر بختها و فلک و کنگا
 خود هستند این نزع در هند است اگر تصفیة این امر
 بر نهایت همین شود مسیح از مانع تمام اسلامیان خواهد
 موجد اسلام شاید است که این اختلافات از جهالت
 برینغیزد و بواسطه این اختلافات حسیه حسیه است
 که اسلام برپا شده و مسلمانان زبون و ذلیل ایستاد
 گردیده اند نیزه احوال اسلامیان است که وقت تنگ
 در زمانه بر اسلام مصیبت است و شود که اندک علای اعلام
 ستود این امر شده رفع این جنبه اختلاف را هم
 بنمایند و از منوع بعد از ترحم خود هم کرد
مکالمه شیخ ایرانی با شخص سنی
روز بیست و سوم عنوان معصوم
 هستند پیش ازین می شنیدیم که در مواجب نظام
 از طرف بزرگان و سرکردگان انواع ملک و املاک
 آیا مطلب قرین صدق است
 ایرانی - جناب عالی خیلی در کار با دقت میشود و در کار
 میکنند آنچه را چه چیز است ما در نظام مالک الک الکالبه
 هر چه صلاح نظام را بریننده همانطور رفتار میکنند
 هستند - فدای شایسته شرمش را کنار بگذارید بیاید
 با هم راه برویم و منبع حقیقت کوئی و انصاف جوئی
 صحبت با هم اینجا نظام نیست نه امر و نظام
 من دشمن سرگردانی تو انجام دهنده تو دشمن انواع شیعه
 دیدن پشت روی کار است و کیفیت سلوک و رفتار
 خوب شما آنچه قسم میدهم بفرمایید که انصافاً امر آنها
 در خارج و انصافاً از مواجب خود چه افترا راست که
 از وجه مواجب سربازی که مشغول عاقتا نیست
 حکم نماید و بجنس خود یاد دهنده
 ایرانی جناب شما حرف در در تیرید و حرف زود را
 من نمی توانم جواب بدهم امروز خبر اگر گفتار داشته باشد

پس سپر کن از ادغام نیتند و نظام و اطاعت آنها نخواهد بود

هندی - شما خارج از طلب صحبت بیدار به اللہ است که نظام از ادغام الحاقت گفته کسی فکر این نیست لیکن این مطلب چه مثل شقیقہ دارد من میگویم هر دو فکر و سراز را ادغام نمی توانند ملک و اصلاح و آنچه از خسته اند دولت حصول میکنند باید با کرم زیاد بزرگتری که در خدمت است برسانند

ایرانی - شما خیلی با پی می شود من تمام مطلب اصاف پوست گفته و اینکه شما همین میکنم ادغام نظام و در برابر از خسته اند دولت تمام و کمال حصول میکنند هر قدر که اصلاح نیتند بمبتوی نظام میدهند او هم اگر اصلاح در ترمیم دید اصلاح کرده میدهند دست ایستاده آنها آبها هم مطابق و موافق میل و خود پیش خود ترمیم کرده میرسد این چیزها در سر تپها در بنها هم تصفیہ شده میرسد بجهت سرنگیها و یاد و یاد او اهل و کمال و انا ب اور

این را تبهم بقدر استه و نظری تصفیہ شده و ملک و اصلاح گشته اگر اصلاح در رساندن بفرج دانند و اوله صراف فرج می شود درین مقام سبب بروت تمامی صراف است و موقوف بر ای ایشان با صنف اول سیاه و نصف قران سفید میدهند یا حق صرافی را از آن موضوع داشته باقی مانده و صاف در لال را که از حال کشیدیم ضعیف تر است بر این چیزها بجهت بر خیف میدهند این در صورتیکه طالع و اقبال آن فرج در اوج ترقی باشد و اگر مثل من بجهت گشته باشد باید در خیال نقش در هم دو یار جان شیرین را بفرجی پناهندی تو را بجهت اسم کبوتر بجهت که با او دولت مطلع از اینکه تو یارهای سرگمان افواج هستی یا نه

ایرانی - چند

هندی - چه را سراز شکایت بد دولت میکنند

ایرانی - سراز چیه که دست رس دارد که خود با شمس محمد حسن سلطنت رساند و در من حال هم سفید جمال نیست زیرا که از فرغ تا صلح هر یک یک رسان بسته اند در حضورت که خبر یا در سراز چیه می رسد و سراز هم چه قدر است که در خلاف میل و رغبتی

کرده خود خسته است کند که در دست از جان بشود

هندی - آیا از بس نظام هم ادغام نظام را حق و میراثی میباشد یا نه

ایرانی - مبلغ فرج بس نظام از جانب دولت معین است با المیوس و در باقی آن تمام و قیاس شده اگر در بند فواید با نیتند ممکن است چیزی عاید بزرگان و مباشرین امور گردد

هندی - آقا صاحب طلب انچه میدم سنی بر خلاف نوکی که بد دولت تعدیم کرده نیتند و نیتند لیس بود زنده و سراز بد بند که بر پشته

ایرانی - در رنگ تغییر نمیدهند ولی از جنس خواه باشد یا که با بس وسط آبها نازل ممکن است تغییر و تبدیل شود

هندی - در عرض سال هر قدر از افواج فوت شود بیل آن را فرآورد به مسائل میگردد ما را بکنند یا

ایرانی - در جمال جدید بدل گرفته میشود

هندی - برای چه فرجه ان تمام میگردد آنه و متوق در کار میماند

ایرانی - طلب شفقت کرده بواجب و خوراک و لیس لازم ندارد

هندی - این دفع بجهت از دولت عاری شود و از خسته اند آنچه در انجم گذارده باقی را وصول میکنند

ایرانی - مگر اگر کرده برای دولت کرده است چه صرف نیتند مفت بزرگان فرج است بدست پر جنس دارد و مگر هر چه فایده است با دولت بر رویس دیگران یکبار هانه ثبت است در جسد یک دولت دوام دارد

هندی - اگر از طرف دولت بدین سان افواج محم بود و جای خالی فرج را در وقت سان دیدن بفرجه خواهند کرد

ایرانی - چه آدم ساده لوحی میباشد مگر در لغت اعضا و جوارح نظام با نیت نظام فرقی دارند هر یک یک و شبیه یکدیگر اند اگر لا علاج شده و هیچ راهی چاره ندیده بقدر محم بود فرج از راهای برای یک دور روز

آدم اجیر میگردد و لیا من نظام باو میسوزد و آدم سوزنی را بر او میگردد و با سلطه نظام او را مسلح کند و سان و اوج را با قاعده میدهند

هندی - آقا صاحب برای خدا چه میگوید مگر دولت سان دیدن انجان نیتند و نظام قائم و ان انجمن خارج از قواعد و کاست حکم میدوم میفرمود

ایرانی - محم بزرگان نظام اند و آنها خود از حقیقت کارگاه و دشمنان تو سی کار است (شتر ویدی سنا)

هندی - ای روشی در چهار مجال قبل که بخدمت بزارت قیامت عالیات شرف بشم و در پر شهر و عمره و با ای دیگر دیدم که محسن سراز ای دولت البکاشکی شمول بلا کی بودند

ایرانی - چه عیب دارد (الکاسب صیب الله) باید از بخت و محبت آنها که بود که در ذوی میکنند انهم عیب دارد پس دم میکنند

هندی - دیدم بعضی از آنها در عبارات فرجه ها کولی اگر زودمانه میباید و بسیار شغل فعلی و بنائی برده

ایرانی - بی گزیری و عدم نصیب فرج و اظا هر کرده نسبتا تألیف کلوب می نمود

هندی - دیگر دیدم که در بازار او کوچه و بانک و آب برش شده شغل سقائی اند و آب انالی شهر

ایرانی - از قدمشات است در برای کرم انهم میدای و شهر به از سقایت است ای مردم بسیار بخت و کلام عمل پیش این ثواب و اجبه در محبت است که مردم در اعمال نیتند هم ایرو میگردد

هندی - دیدم که بیست شکستی میکنند

ایرانی - در شش جمعی می نموده تا او آمانتند و بیست بیست تقاضای حاجت مسلمانان که محبت است بحسب کس می آورند

هندی - بعضیها را دیدم که کجا قصائی شغولی هر یک کرم ایسانی - سراز صالی آنها هستند که دست و صاف میکنند و قلب راست میگردد و اگر در میدان جنگ شستش برین نیتند و در گشتن دشمن ترقم میاورند شغل است فعالیتات طلب میاورد و مطنون است

و اگر آن فرج نماند که در موم تسبیح ما بر شود -
 هستند - بیست و چهار روز پیش از روزی که در آن
 ایرانی - بیست و چهار روز پیش از روزی که در آن
 هستند - بیست و چهار روز پیش از روزی که در آن
 ایرانی - بیست و چهار روز پیش از روزی که در آن
 هستند - بیست و چهار روز پیش از روزی که در آن

ایرانی - این از علم و زهدشان است
بقایای کتب از نمره
 دوازدهم

چهارم گرامی روزنامه اطلاع بایستی پس از اینکه از روی
 وقایع نگاری قلمت کند و اطلاع این امر در چندین
 قاصد ملک سخن رانده و آنک از زیادتی حال کلام
 سخن و راستی از روی آزادی سخن گوید یا قلمت بنده
 که اداره مبارکه اطلاع بیکه و وضع خود را تشریح
 در آن وقت بجا قلمت شوق و قاصد نگاری او را خوا
 نمود

پنجم از روزنامه بنیت که در آنکه شهرت گرفته که اطلاع
 مراسلات خود را قاصد در نوشتن میفرماید و زبانیک
 اسرار معلوم بود و خط که بر ما با صدق قلم بود و در
 جفارت بر میخورد با اطلاع بسیار در چندین هم
 داشت بخواب خط رسیده بخیر از آنکه در پیش یافت
 از جمله بیستم خط داده و در قلمت است که مثل اسرار
 شده در محرم اطلاع قاصد از نگارش عنوان کرد
 خوب بود و جواب میدهد که بعد از این اسباب قلمت
 دیگران نشود و خط و قاصد بنویسند هر روز
 اما آرا و آتی را که در زمان کم خبرت این قاصد در پیش
 گرفته اند بسیار است

اولی که گویند در زمان نهمه که در اطلاع آزادی خود را
 اطلاع داده و از روی وقایع نگاری قلمت نموده
 کرده که یکستون پیش تر از واقعات ایران است
 تمام اخبار را پر کرده بود و در واقعات ماریه اگر چه
 سبک اطلاع همیشه این بوده که اطلاع ماریه بر ما
 یا مروزه درین یک نمره خوب بود که لا قبل و در نمره

آن دو واقعات و جمله ایران بخت میسر شود
 زیرا که اطلاع ماریه خارجی را به میدانیم ولی
 ایران بر وقت دارای چهار هزار نفره اخبار
 شده که هر یک آن هشت برابر اطلاع باشد
 آنوقت مناسبست که بعضی اخبارات خارجیه
 موضوع بحث نمایند در تمام ایران دو اخبار
 یکی اطلاع و دیگر ناصری داریم و حال آنکه هر دو
 خبر مشرقی از اخبارات ماریه میباشد و هر یک
 بنا شود این دو اخبار هم بحث در معاملات ماریه
 نمایند ما و ناسی و واقعات همه ایران یکی با
 موضوع بحث نماید

اگر اخبار اطلاع بخواند که زبان اخبارات در
 باره ایران بنده باشد همت بکند و در تمام سالی
 در آنص از او را به بحث کند چون اطلاع اخبار
 را به اخبارات ماریه است از روی اطلاع شود
 اخبارات ماریه به بحث به نگارش است
 و در وقایع نگاری خود نخواهند کرد و هر
 نویسیم و نخواهیم دیگران هم بنویسند البته در
 ماقبل بنده با بحث خیال خواهد شد

دوم گرامی اخبار اطلاع میفرماید که ما چون از
 مفاصل اخبارات و سیاهون ماریه مطلع هستیم
 این روز اخبارات و اخبارات ماریه و جمله
 ایران را که آنها میسر بنده مضمون نویسیم و در
 نمیکویم هم میسر بنده هر یک از آنها را مضمون
 مضمون پیش است چه در ماریه و چه در ماریه
 عنوان خبری سبب نگیری میسر بنده ان شده
 میزند که در مضمون اطلاع میسر بنده از وظایف اخبار
 واقعه بنده چه در تمام سیاهون عالم قلم
 برین اند که یک اخبار قوت ده فرج نمون را دارد
 و در روز اخبارات را بر ماریه قوت دارد
 که سلطنتی را بر ماریه و لاکنه بخت میگویم قسم سوم
 آنچه بر سر دولت شمائی آورد اخبارات فرنگ آورد
 و آنچه بر سر ماریه آورد اخبارات فرنگ می آورد
 اخبارات قلمت به پیش می آورد و در دولت را
 به بعضی کار و او را به میسر بنده اخبارات ماریه

جسدتی از واقعات بی حسابها و در قلوب ملت
 جای میدهد و ملت خود را بر افعال و عقائد و اعتقاد
 و قوت ملل و دیگر مطلع میسازد و بر زبانهای ملک ما
 واقف نمایند و او را آنچه می و وحشی گری میباشند
 کرده بر است و در وقایع ماریه و اخبارات ماریه
 و این مراتب را در قلوب ملل عالم جاری داده تا وقتیکه
 بر زبانها ماریه و سیاهون ماریه بنده باشد بلکه تمام مردم
 را از اخبار و وحشی گویند و افعال و کردار آنان را همین
 کنند و کلمت شمائی علاوه بر اخبارات ملی را داشته
 و روز بروز زیاد میسازد

یاد دارم چندین قس اخبار ملل المتین بود لیک اخبار
 فرنگ را نوشته محکم نموده و ظاهر کرده بود که
 چگونه در یک ملک و ملت بیسج و بیوج و بیشت
 سیاهان از دوله بر ما میسازد که جواب از اقول
 و در دیدار اخبارات آنها نشود و اول آنکه بر افراد
 قلمت بنده می شود و اسباب قلمت آنها میسر کرده
 آتی ملل و دیگر ثابت میشود و آن قصور بر ما در ملل میسر
 علاوه بر سیاهون دل فرنگ و بعد از قلمت
 و اطلاع و کفایت و لغایت بار از سکوت و اجوبه
 در ک کرده ملقت میسازد که چه عنوان ماریه است
 که به در قاصد باید ملاحظه کرد که اخبارات فرنگ
 در جواب اخبارات قلمت قلمت قلمت قلمت
 ماضی در روز که بر ماریه سبب کی از اخبارات ماریه
 بر خلاف سیاست بود لیک دولت ماریه
 که به همان روز را روز دیگر ماریه و قاصد نگاران
 اخبارات خود را مطلع نموده همان روز را روز دیگر
 در اخبارات ماریه تره به مقالات اخبارات ماریه
 شده است البته اینها را میسازد و در نیت نمیکند
 ولی سبب اینقدر مصارف را تحمل میگردند و سبب است
 از دانش اطلاع در محرم گرامی روزنامه اطلاع
 میسر بنده چون احوال اخبارات و قاصد ماریه
 مبنی بر مضمون است و مضمون ماریه در اطلاع و
 اصلاً با چه انتهای شده و مضمون این عنوان را
 بر ترز که میسازد اولین قاصد اخبارات ملی در وقت
 و اخبارات اخبارات ماریه است از روز با زوار

خارج اخبارات کرم است بدین اخبارات
 گوی از میدان یکدیگر میرانند اخبارت کردن با جز
 آنها صدق را از دست میرون میرودست
 لغت اینجاست که کار در اخبار مبارک الطوع و
 که اخبارات همان ملک چنان افاض بر فلان
 دو دولت نموده و اخبارات آنها چنین جواب داده
 ولی در اجوبه افاضات نمودن میگویم قابل جواب
 و امانتی باشد که هم راست گویم دیگران قبول
 نمکنند اینگونه کلمات است با این خاری و
 ذلت کشنده از هر طرف توری بخورم و از
 هر گوشه ملک قبول تجارت و غیره و غیره ما را پیش
 قابل باصفا نمیدانیم و شان خود را اهل برین
 که نام این جنس نیات را بر بیم از طرف دیگر
 یک مبلغ ناقابل تجارت ملک را پسندشیم
 که انی بان بیستسوس میماند بزرگی با انواع
 باری از همه اینها که ششم چنان گمان میگویم که این
 و چند چون در میان باطلای میباشند و از آنجا
 کلی و وقتی دو وقتی خود با اطلاع اند اما احوالی
 عوالم و نگارشات اخبارات خارج میماند و یا
 میگویم اهل ایران اخبارت را در اخبارات خارج
 بنهینند که اخبارات و چند افاض جواب این
 آنها را بنهینند اباب حشت و خیال آنها هرگز
 ازین رها عقاب افاض و جواب اخبارات خارج
 با کمال شماری میگویم که دولت ملت ایران در
 خارج منتشر و همه اخبارات خارج را نموانند
 آنها را بلکه ملت عامی بینند اگر اخبارات
 جواب افاضات اخبارات خارج را نمهند اول
 پریشان میشود و در ثانی قطع امید از ایران
 و ثالث تمام افاضات را بلکه ملت را
 سترت قبا قبا یکی از اخبارات که در
 جنگ معادن شرکت داشت معاودت کرد
 و علم قون انجیس و در آن زمان در غیره
 در آن طبع نموده و در تمام عالم اناخت
 اخبارات نخستان خودی کلمات او را در
 که از ده صدای ملت میباشند سائر دول
 بلند شده

خوب بود احوال قبول میگردد و قبا
 در وقت خود را نمهند و صد با عنوان جواب
 گویند با از این اطلاع در همان عنوان
 که بار داده ایم از روی عرض یک دولت
 پشنت سرج و مرج فانی میسازد و بعد
 انکلت میبرد از ده جنات و قدرت خود را
 نازل نموده و اقیانه میسازد و طلبیک را
 حسب عاصده افاض خود را با ناید
 انوس با اینکه اطلاع میداند که اخبارات که
 سیستون خارج است از اصوات که به
 در عالم پیدا کرده اند معنی الک افاض
 قابل جواب بیشتر در این عنوان که
 همین است (باقی دارد)

کلمات

شب خفته گذشته عاقد و بزگان ایرانیه در حکم
 جناب مستطاب شریعت مدارک و انا نام آقا شیخ محمود
 کیمانی شمس الطلا سلک الهی بن نموده که شلیت
 از ده باره در ملت فرزند از جنس جناب
 اهل نواب بهادر حاجی سید ولایت یلمان کی
 سی - آبی - ای - از طرف تمام ایرانیان کلمات
 شده و المبارقم و آنده خود را نموده بر در
 خوش را بنیاید جناب مستطاب آقا سید بلال
 (مؤید اسلام) مدیر مخرج میل المتین نامی خود را
 که شمس الطلا آقا شیخ محمود کیمانی صدر این
 شوه جناب بار سلطو آب اگر نیز از محرم
 ناید نموده تمام مضار قبول نموده
 بعد از آن جناب همه الافاضم حاجی علی محمد
 تجویز نموده که جناب اگر نیز از محرم
 این سخن قسه اگر گرفته از طرف این خط
 خدمت نواب بهادر مدو و دام قباله
 جناب مدد ناید نموده و طلیان قبول کرده
 یک از آن یک یک از اهل مجلس الهی
 و بر روز شستن الم خود در این مصیبت
 نموده مجلس ختم کرده و در این مجلس
 آسفت از مصیبت بزرگ دارد

عظمت حیوانه

عصر یکم چهارشنبه جناب مستطاب شریعت
 شمس الطلا جناب آن نهاد حاج مولی میرزا
 شباخت علی و آنرا مولی محمد و سید کل
 بعضی دیگر از افاضی انقلاینه در ستر
 اسلامیته کلکه که بسپرستی بر اینس
 یکم رنده آباء و آج الصند اقتلا شده
 بجهت ناید شستن عمارت مخصوص
 این مدرسه است جناب جلالت
 چند خند می صهارا با سبب از رفته
 نقشه بر انظار طلبک صهارا
 با کمال خوش احوالی و الهی است قلبی
 رویه و دست فک نموده با کمال
 الهی است نمود که در آن
 این مدرسه اسلامی به سر
 همت بلند تمام اسلامیان را
 زمین اغان خود نموده خداوند
 در مان بلند همت را به سوار
 سلامت بار در درین خدمت
 اسلامیان اداره حیل المتین
 تشکر از انظار این موصوف
 ایشان دعای خیر میاید بر
 که باقی و سپرست این مدرسه
 بر مصارف کرده اند از موقوفات
 مستغنی مخصوص هم معترضه
 نیز بجهت سانس عمارت این
 از من شاهزاده پیر شیرین
 از یکد قوت لطف نموده اذعان
 شباخت علی از جنس خاص
 وجود که در اینجهت
 تخمین شده و از شصت
 پیروز آخرین اسکب وانی
 لار که درین سینه و در قمر
 برای کلکه شکست
 شد کلکه جناب از هر که
 است